اسرار حج – قسمت دوم: سیر و سلوک

خداوند کعبه را خلیفه خود در زمین قرار داده و رو کردن به او را رو کردن به خود دانسته و حرمت بسیاری برای آن قائل شده است.

چنانکه نباید به سمت او پشت کرد، آب دهان انداخت، جماع کرد، تخلی کرد. چرا که آن خانه قائم مقام خدا و ظهور امیر المؤمنین علیه السلام است در این کره خاکی.

پس چنانکه خداوند اول است این خانه نیز اولین زمینی است که ایجاد شده، و چنانکه خداوند آخر بوده و رجوع خلق به سوی اوست، این خانه هم مرجع و مقصد مسلمین است و تمامی ایشان بایست به آن رجوع کرده و از جمیع زمین به سوی او بشتابند، **هُوَ اَلْأَوَّلُ وَ اَلْآخِرُ وَ اَلظّٰاهِرُ وَ اَلْبٰاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.**

حال در رجوعی که خلق به سوی این خانه دارند، مراحلی طی میشود که عیناً مراحل سلوک بسوی خداوند است، و با دانستن آداب آن کیفیت سلوک به سوی خداوند را خواهیم دانست، که به اختصار مرور میکنیم.

ابتدا خداوند چنانکه گفتیم کعبه را در وسط زمین قرار داده و خانه ای مکعب شکل بر روی آن ساخته، و برگرد آن مسجدی بنا نموده که آن را مسجدالحرام میگویند چرا که حرمت بسیاری داشته و بسیاری از چیز هایی که در مکان های دیگر مکروه یا حتی مباح است را در آن حرام قرار داده.

و در حول این مسجد حرمی قرار داده و چند مکان نیز به نام های عرفات و مشعر و منی در اطراف آن

واقع شده است، و بر حاجّ لازم است پیش از طواف کعبه، از این اماکن گذر کرده و وظایف مناسب هر کدام را به انجام رساند که بطور اختصار مرور میکنیم:

1- ابتدا حاجیان به عرفات وارد شده و تا غروب آفتاب به دعا و تضرع مشغول میشوند و با توبه و استغفار، نزد خداوند به گناهان خود اعتراف میکنند، و از این جهت است که عرفات نامیده میشود.

2- پس از غروب آفتاب به مشعر (مزدلفه) رهسپار شده و تا صبح آنجا می مانند و بر عبادت و راز و نیاز و استغفار خود می افزایند، تا صبح که سنگ ریزه جمع کرده و راهی منیٰ میشوند.

3- راهی منیٰ شده و در آنجا قربانی میکنند و سر میتراشند و با سنگ ریزه هایی که در مشعر جمع نموده بودند رمی جمرات کرده و شیطان را از خود دور میکنند.

4- پس از منی به مکه و مسجدالحرام وارد شده و به طواف خانه و کعبه و سعی صفا و مروه و حج نساء مشغول میشوند تا حج ایشان تمام شود.

حال آنچه بطور خلاصه گفتم، ظاهر اعمالی بود که حاجّ یعنی قصد کننده و رجوع کننده به خلیفه خداوند یعنی کعبه انجام میدهد.

اما باطن این اعمال چگونگی سلوک بسوی خداوند را آشکار میسازد، چنانکه بنده در اول کار به گناهان و هوا و هوس ها و خود رأیی های خود آلوده بوده و نهایت بُعد از مولا را دارد.

پس ناگاه در ابتدای سیر سلوک خود متنبه شده و گناهان و اعمال کرده و نکرده خود را پیش چشم آورده و خجل میشود و این مقام عرفات است که در آن میخوانی **إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِيَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِيَ** یعنی خدایا، کسی که نیکی های او بدی است چگونه بدی های او بدی نباشد.

در مقام عرفات، هنوز نور مولا به شخص نتابیده و همچنان در ظلمات بسر میبرد چرا که به صرف اینکه بگوییم بد کرده ایم نورانی نشده و بصرف پشیمانی آنچه خراب شده اصلاح نمیشود. پس از ظلمات مشعر بایست عبرت جسته و آنقدر در توبه و استغفار بکوشیم تا رحمت خداوند شامل شده و شعاع آفتاب صبح بر ما بتابد.

پس از آنکه آفتاب صبح یعنی انوار مولا اندکی بر ما می تابد، پیش پا را دیده و بر بصیرت حرکت میکنیم اما باز هم با آنکه در مسیر مولا هستیم، سختی هایی در پیش رو است. اما با طلوع آفتاب به مقام علم رسیده و به مقام قرب فائز میشویم.

پس در مرحله بعدی که رسیدن به منیٰ است، مانند پیشگاه قصر سلطان است که پیش از ورود به او در آنجا ازدحام شده و هرکس خود را برای وصال مولا آماده میکند، و در آنجاست که باید از مال و جان گذشته و قربانیشان کنیم و از خود پرستی و خود بینی ها بگذریم چنانکه خداوند میفرماید **تُوبُوا إِلىٰ بٰارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بٰارِئِكُمْ** یعنی به درگاه آفریننده خود توبه کنید و خودتان را به قتل برسانید که این نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. و در اینجاست که به سنگریزه های حجت و برهان باید شیطان را رمی کرده و از خود دور سازیم.

پس از رمی شیطان دیگر شیطانی نخواهیم دید، چرا که پس از این پاک و پاکیزه به عرصه نور مولا وارد شده ایم و شیطان سنخیتی با نور ندارد.

پس هفت مرتبه پروانه وار بر گرد شمع خانه مولا طواف کرده و به هر دُوری، مرتبه ای از مراتب هفتگانه خود را میسوزانیم تا نور فؤاد آشکار گردد.

حال اگر به اقتدای اعمال حج چنین سلوک کنیم، به مقام وصال مولا فایز شده و داخل عباد مخلصینی میشویم که شیطان از ما مأیوس شده است، چنانکه به خداوند گفت **فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ، إِلاَّ عِبٰادَكَ مِنْهُمُ اَلْمُخْلَصِينَ** یعنی آن کسانی که اینطور بندگی تو را نکرده اند همه شان را گمراه میکنم مگر کسانی که خالص شده اند.